

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر ادارا آقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزها  
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ فران  
سایر بلاد داخله ۴۵ فران  
روسیه و قفقاز ۱۰۰ مانات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه ماهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه  
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

چهارشنبه ۲۰ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۲ مرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۳۱ ژوئیه ۱۹۰۷ میلادی

وقت عبرت است

وضع عالم باندازه در این قرن گذشته تغییر پیدا کرده که به هیچ وجه نمیتوان مشابه اعصار و قرون سالقه گفت ، در هر جزئی چیزی که ملاحظه و دقت کنیم می بینم بقدری با وضع بیشتر خود تفاوت دارد که اصلا جهت جامعه درین پیدا نمیتوان کرد ، شما ببینید مسافرت درازمه سابقه چه اسباب ابتلائی بود که سفر را نوعی از عذاب و قطعه از سقر میکشند لکن امروزه بواسطه یکتویه اختراعی محیر العقول بدرجه آمان و راحت است که مسافرت وسیله تفریح و تفنن و نوعی از تکلیفات محسوب میشود حال اگر کسی جاهلانه بخواهد بایابوی زخمین یاخر لنگ باقطار شمند و فر مقاومت کند بی شبهه تمام عقال بر سفاقت و ابلیسی اش حکم خواهند کرد — همچنین یسوز و روغن چراغ را هر که مقابل چراغ برق بنهد و فاصدرا بر پست و تلگرافی ترجیح بدهد و باتیر و کمان در برابر کوله توپ برود بر نفهمی و نادانی خود دلیل قطعی اقامه کرده است ، اوضاع سلطنت و دولت نیز باندازه با اوضاع سابقه اختلالی دارد که هیچ عاقلی نمیتواند بگوید يك دولت و يك مملکت ممکن است با اوضاع عهد قدیم خود را نگاهداری کند و در مقابل همکاران و همقطاران خود ایستادگی کرده چند صباحی استقلال و آزادی خود را حفظ کند همچنانکه بایای پیاده نمیشود با راه آهن مسابقه کرد همچنین با وضع پیشین و دستورهایی بوزر جمهوری و جاهلانی امکان ندارد جلو گیری از بلتیک امروزه دول کرد ، بناچار شخص عقب میافتد و وقتی با خبر میشود که کارش گذشته و آب از سرش در رفته

و قوت امواج او را نوعی جلو انداخته که باریك لحظه توقف ندارد باید خود را با امواج تسلیم کند تا بر طرفی که میخواهند بپرند و هر بلایی که میل دارند بر سرش بیاورند ، بلی در چنین موقع اگر رشته اختیار خود را بدست حرکت و جریان آب دهد شاید چند دقیقه زندگی کند لکن اگر خیال ستیزه و برابری کند زودتر خسته و مانده و بیشتر دستخوش فشار آب پر قوت میشود و يك طرفه العین عالم را وداع ابدی میکشود — چه خوشبخت است ملتی و چه بلند اقبال است پادشاهی که بایك الهام غیبی و احساس قلبی بی باین نکته باریك برده ملتفت شوند که با این روش بوسیده که اثر زمان باستان پیش گرفته اند نه استقلال ملت برقرار میماند و نه تاج و تخت و بایك اتفاق حقیقی دست داده ترتیبات عصر حاضر را که نتیجه افکار هزارها عقلاء دانشمند و ثمره استجابات عذیبه و تجارب بسیار است اتخاذ کرده خانه در خورد پیل بسازند و بایلیانان این زمان طریق رفاهت پیش گیرند سری درسرها بیاورند و ملاحظات امروز را فراموش نکنند — گذشت امروز گار که يك قوم وحشی عاری از هر گونه لوازم حیات هزار سال بیدرد سرزندگی میکردند امروز آدم را آسوده نمیکنارند یا باید مردانه بلند شد و دست بکار زد دید رفقاء چه میکنند و از کدام راه میروند دلیلشان کیست و آذوقه شان چیست ، پشت گرمی بچه دارند و وسیله نجات خود را چه طور فراهم کرده اند ، همان شیوه را پیشنهاد کرد و دوان دوان خود را بقاله رسانید یا باید پاهارا رو بقبله کشید و کلمه همدتین بر زبان جاری و مترصد وزود عزرائیل شد ، شق نسیم ندارد مجال است

بدون تغییر اوضاع بلتیکی و پیروی از تعلیمات جدید.  
زنده ماند

چه بدبخت است دولتی که در مهمل غفلت  
خفته و باروش حالیه دنیا آشنا نباشد که روز گارش سیاهتر  
از شب دیبجور و تنگتر از گور است ، ساعت بساعت  
نقشهای تازه کشیده میشود و نقشهای قدیم کهنه و بی اثر  
میشود روزی نیست که شکلی نو ظهور ظاهر نشود و  
تغییری بوضع عالم ندهد ما چطور میتوانیم همان تدبیرات  
پنج هزار سال پیشرا اکنون وسیله راحت خود بدانیم  
و بانها تکیه کنیم هر پادشاهی که تاج و تخت ، سلطنت و  
عظمت ، مملکت و ملت ، قدرت و رفعت میخواهد باید  
اساس تعلیمات را عوض کرده و شکل حکمرانی و مملکت  
داری را باوضع دولتمدنه مطابق کند و بهمراهی ملت  
خود راه ترقی را درنوردد استبداد را مخرب اساس سلطنت  
بداند و مشورت را مایه رسنکاری بشناسد عقل طبیعی و رای  
شخصی را کنار بگذارد

و گرنه بزودی از هر جانب بر او تاخته و باسم  
تعمیر و مدنیت اسر و دیبیم را از او انتزاع خواهند  
کرد ، دیگر نمیشود گفت بچه حق و چرا ؟

حالا علاوه بر طمعان قدیم و حریصان اروپا تازه  
یکدولت حریص طماع جوانی هم پیدا شده که در مقام  
شاگردی اروپائیان از آنها در رفقه و برتبه استادی رسیده  
است یعنی دولت قویه ژاپون اینک مشاهده میکنیم که مثل  
یک سیل خیلی پرزوری از سمت شرق اقصی برخاسته  
بطرف آسیا در حرکت است —

مصدقات این مقل حلیر مال اسف اشتمال امپراطور  
کره است که تلگرافات این دوروزه خیر میدهد و برای  
تنبه و بیداری و عبرت از این مثالی بهتر و واضحتر نمیتوان  
پیدا کرد اکنون برای اطلاع عموم ترجمه تلگرافی ۱۷ و  
۱۸ همین ماه را درج میکنیم و بقیه مطلب را بهوش  
دانشمندان واگذار میکنیم

بنا بر خبر روتر از توکیو محتمل است که  
امپراطور کره از مقام امپراطوری استعفا دهد در اینصورت  
قدرت سلطنت از او ساق و در واقع اجراء تکالیف  
سلطنتی برعهده فرمانفرمایی که از طرف دولت ژاپون  
فرانجا مقیم است خواهد بود

از لندن تلگراف واصله از سؤل مشر است بر  
اینکه هایاشی وزیر خارجه دولت ژاپون وارد سؤل گردیده  
و امپراطور کره با وزرای خویش مجلس مشاوره فراهم  
آورده و پس از مذاکرات زیاد راضی باسقتفا از تاج  
و تخت هده اند

لهذا فرماتی باضمضماین صادر فرمودند بد بختانه

باکمال اسف در مدت چهل و چهار سال سلطنت من  
صدمات متوالیه و بلیات متواتره ملت بیچاره مارا فر  
گرفت و بحدی استیصال و سختی اهالی را احاطه نمود  
که بقئیده من وقت آنست که خود را از تاج و تخت  
منفصل نموده و بولیمسد خودمان وا گذار نمایم

وزراء و اعظام مملکت کره نیز مکتوسی بایتو  
و کبل سیاسی ژاپون در کره نوشته اند و او را مستحضر  
داشته اند که اگر ما مورین ژاپون با امپراطور کره از  
روی انصاف و انسانیت ساوک و رفتار نمایند حاضر پذیرفتن  
و متحمل اطاعت احکام ژاپون خواهیم بود و الا عموم  
ملت مستعد و میاهستند که جان خود را در راه سلطان  
خود فدا و تار نمایند

از قرار راپرت روتر از توکیو اگر چه بین  
اهالی ژاپون اظهار دلسوزی و اسف نسبت بامپراطور  
کره مشهود است و لکن خواطر آنها از بابت استغفای  
اعلیحضرت منظم تا حدی آسوده و محفوظ است زیرا  
که ایشانرا منشاء و مؤسس بعضی تدبیرات و تزویبرات  
و بر ضد ژاپون میدانستند و منبهد دست مداخله ایشانرا  
از این اعمال و افعال کوتاه خواهند داشت نتیجه آنکه  
امید و انتظار اهالی ژاپون برانست که روابط بین کره  
و ملت ژاپون در آتیه بدون ترلز و اخلال باقی بماند  
در ضمن از رویه و رفتار هیئت وزرای کره  
در اینموقع بحران تمجید و تحسین مینمایند و قسمتی  
از وزراء ژاپون چنین صلاح میدانند که اعلیحضرت  
سلطان کره مادام العمر در ژاپون متوقف بوده باشند

تلگرافی واصله از سؤل مشر است بر اینکه  
قشون دولت کره شورش نموده و بطرف اداره پلیس  
شلیک نموده عده کثیری نیز از اهالی بانها ملحق شده  
و منقفا بجمعی از ژاپونیان مقیم آنجا یورش بردند از  
قرار معلوم بیست و پنج فر از آنها را مقتول و مجروح  
کردند از طرف اهالی کره عده مقتولین و مجروحین  
معلوم نیست فعلا ما مورین ژاپون ما مور قراولی و  
ساخاوی محل هستند

روز نامه مرتیک پست مقافه راجع بسئله کره رامی نکارد  
و چنین اظهار عقیده میکند که استعفای امپراطور کره  
بطور حتم باعث منافع کئی بجهت مملکت کره خواهد  
بود و نیز قدرت و استمداد دولت ژاپون از حیث  
حکمرانی و اداره کردن منوط خواهد بود باینکه دولت  
مظلم در اینمورد چچه نحو و رویه انجام تکالیف و  
مسئولیتهای وارده را در مملکت کره بنماید

روز نامه طری بن در ضمن مقالات مربوط بهمین  
مسئله میگوید که باید منظر و امیدوار شد که نفوذ

دولت ژایون در کره منتج تاییح حسنه و نیکبختی کره خواهد بود روزنامه دیگر چنین میگوید که امپراطور کره از اثر حماقت و رفتار میفهماند دچار ابتلای صدمات گردیده و چندی نخواهد گذشت که مملکت کره از حیث اخلاق بکی ممتاز و با دولت ژایون یکسان شود

مقاله یکی از فضلاء

( ای بسا ابلیس آدم روی هست )

( پس بهر دستی نباید داد دست )  
مال مامات ایرانی معلوم نیست بکجا خواهد انجمید و عاقبت ما چگونه خواهد شد و این چرخ سفله نواز برای آتیه ما چه در نظر دارد و این گردون دون پرور چه پرورگار ما خواهد آورد اوضاع حالیه مغشوش حیالات پریشان خالق در نهایت ذلت مات در کمال مسکنت از حزن عقیبت ناامید و قتل مشکلات میگوید گشتی مملکت دچار چار موجه طوفان بلا ساکنینش بیدار و خواب بیداران حیران و مضطر بخواب ماندگان از همسجا بیخبر نهنگان خون اشام منتظر دشمنان کرک سیرت حاضر خدایا نخدا مار ایفر قاب هلاکت میاندازد یا از این کرداب هولناک نجات میدهد چه باید بکنیم و بکجا پناه بریم آستین کرا بگیریم و آستان کدم شخص را میوسیم که مارا از این مخاطرات خلاصی بخشد کو نوح نجی کجاست خضر نبی که مارا از این غرقاب مذلت و وادی حیرت بساحل سلامت و سر منزل راحت رساند کدام شبنام با ایمنان بیایم که بطمع پشم و پوست مزرا طعمه این کرکان خونخوار نوازند کوان ملاح بافلاح که بقصد ضبط اموال ما مارا بکام این نهنگان خون اشام نیفتند راه علاج چیست و استعلاج چگونه باید کرد تقصیر از کیست و تصور از کدام جانب است منکه هر چه تصور میکنم و میسنجم هم تقصیر و هم تصور با ماملت است که با داشتن دو چشم کرک را می بینیم و میگوئیم انشاء الله میش است مزد ( و خائرا ) میشناسیم و میگوئیم امین و خویش است !! تا ما مردم در این گفتار و رفتاریم باین مخاطرات و بلیات گرفتاریم عجب تر اینکه از بدبختی و جهالت این صفت ناستوده را جزء نجابت خود میشماریم و از حسن فطرت خویش می بنداریم با اینکه حسن الفطن بالله و سوء الفطن بالناس از فرمایشات بزرگان ماست که باید هیچ کس را خوب ندانست مگر وقتیکه خوبی او بر همه ظاهر و آشکار شود تریف و تکذیب هیچ کس در حق کسی مناط اعتبار نیست خداوند بهر انسانی قوه ممیزه عطا کرده که بواسطه او دقت و تأمل در اعمال و اعمال خالق کرده خوب و بد را تمیز دهد و هر روز متابعت کسی را نکند تصدیق چند

نظر انهم بدون تصور یا از روی غرض دلیل خوبی شخص نمیشود چنگ زدن در برده گبه و قسم یاد کردن در درست کاری بر فرض صدق شاهد سلامتی نیست ترییت شدن در خارجه و دیپلوم گرفتن اسباب همراهی نیست باید کار خوب کرد تا بگویند خوب کرده باید همراه شد تا خاق او را همراه بدانند در همراهی و خدمت بوطن کار کردن لازم است نه زیر ( ناودان ) رفتن تکلیف چیست ؟ باید بتمام قوی از روی دلت و بصیرت در کلبه کارها از جزئی و کلی مراقبت داشت بد و نیکرا از هم تمیز داد بد را بهر قسم که ممکن است بزودی دفع کرد و خویرا ترویج نمود فریب زبان چرب و نرم را نخورد و بهر همراهی زبانی فریفته نباید شد بلکه بصورت دادن یک کار و دو کار صحیح هم خاطر جمع نباید بود که این نیز یک نوع دام مخصوصی است برای فریفتن خاصه ما عوام را که حضرت ( . . . ) را خادم ملت و امین دولت بشماریم شیخ مصباح الدین فرماید - توان شناخت بیکروز در شمایل مرد ، که تا کجانش رسیده است پایگاه علوم ، ولی زباطنش ایمن هباش و غره مشو ، که خبث نفس نکرده سالها معلوم ، از آنکه کار بر عهده گرفته و خود را مسئول نموده کار باید خواست بانشاء الله اصلاح میشود کوش نباید کرد که ابداً صلاح نیست بلکه اصلاح کوبنده غیر از اصلاح خواهند است و برای ایشان عین فساد است نه صلاح موقع بهاره کاشتن گذشت بلکه این بهاره کاری ها دیگر در این مملکت حاصل نخواهد داد اصلاح کننده باید اصلاح کند بوعده نمیشود از سر رد کرد عجب تر اینکه کسایرا که مایه چاره کانرا باین روز سیاه نشاند و ذلیل عالم کرده و ثروت و شرف ما را برده و مارا باین ذلت و خواری انداخت امروز متوهمیم که بدون یک قوه آمره بلکه بدون یک اشاره بر خلاف ماضی بحال ما ملت رحم کرده نلامی ما فات کنند و عادت خبیثه را که جبلی ایشان شده از دست بدهند و مارا از این گردنب خطرناک نجات دهند زهی تصور باطل زهی خیال محال این هم یکی از توهمات بیجای ماست که از کثرت جهالت جزء اصالت فطرت خویش میدانیم غافل از آنکه ( درختیکه تلخست ویرا سرشت )

- ( کرش بر نشانی بیاغ بهشت )
- ( و از جوی خلدش بهنگام آب )
- ( به بیخ انکین ربزی و شهد ناب )
- ( سر انجام کوهر بکار آورد )
- ( همان میوه تلخ بار آورد )
- ( میزرا حسن نامی )

رسم  
فرود دست  
بیدار هر  
خود را  
نمیدهد وقت  
دیدند و  
و آنچه یافت  
دیدند در  
بردند مکتب  
بردند جوان  
و و و و  
چنانچه سم  
است منقسم  
ماسادات کا  
غوس این  
معاش سلسله  
رسم کار کر  
یاشش سال د  
لاچورد بحد  
یک من ه  
قران سال  
تجدید عمل  
بود بهمین  
بود و در ت  
چینی و کاش  
بستند و باید  
ترتیب داده  
مملکت عا  
بزرگ در بهار  
علاوه بر ان  
کریم الاصل  
هرگاه برادر  
دو باره این  
شریف روان  
مایه خشنود  
زهره سلام ال  
چریده فرید  
نامه مقدمه د  
( العبد سید

( مکتوب )

رسم و قانون دزدانستگه صاحب مال تابخواب  
 نرود دست بفارت مال او نمی کشاید چرا که شخص  
 بیدار هر چند ضعیف و بی قوه باشد مهیا امکن کالای  
 خود را حفظ میکند و باسانی ثروت خود را از دست  
 نمیدهد وقتی اهالی اروپا ما ایرانیان را گرم خواب غفلت  
 دیدند و از خود بیخبر یافتند ناگهان بر ما ناخستند  
 و آنچه یافتند بدون ممانع و رادع ربودند و آنچه  
 دیدند در این خانه بیک جا بردند علم را بردند صنعت را  
 بردند مکتب را بردند عزت را بردند قوت و قدرت را  
 بردند جواهرات را بردند اجناس عتیقه نفیسه را بردند  
 و و و و و و . . . . . خانه خالی خراب برای ما واگذارند  
 چنانچه سمت جنوب کاشان در شش فرسخی معدن لاجورد  
 است منقسم بچهار صد و هشتاد و دو سهم ملکی و متصرفی  
 مسادات کاشان مشهور بطایفه لاجوردی که تقریباً عده  
 نفوس این سلسله پانصد نفر است و فایده این معدن مدد  
 معاش سلسله است و هر یک بتفاوت مالک السهم هستند  
 رسم کار کردن در این معدن چنان بود که هر پنج سال  
 یاشش سال در او کار میکردند و از هر سهم از آن هشت من تبریز  
 لاجورد بحسب لزوم بر داشته میشد در سال اول فروش او  
 یک من هشت قران بود سال دوم یک من دوازده  
 قران سال سیم یک من دو تومان بهمین قیاس تا زمان  
 تجدید عمل و در تمام ممالک معدن لاجورد منحصر  
 بود بهمین معدن و اینهم از خصایص و امتیازات ایران  
 بود و در تمام قاشیها و رنگ اینزها و ظروف بدل  
 چینی و کاشی و غیره بکار بود فرکیها این در را هم  
 بستند و فایده این معدن را هم خاص خود نمودند جوهری  
 ترتیب داده بجای او در ایران نشر دادند متاع نفیس  
 مملکت عاقل و بی ثمر مانده و در هر سالی مبلغی  
 بزرگ در بهای جوهر بدل باطل از مملکت بخارج میرود  
 علاوه بر آن سلسله و طایفه از سادات صحیح النسب  
 کریم الاصل بدین سبب فقیر و پریشان و مستاصل شدند  
 هر گاه برادران غیور وطن فراری در این کار بدهند که  
 دو باره این متاع نفیس رواج پذیرد و بازار این جنس  
 شریف رونق یابد خدمت بدین اسلام و وطن مقدس و  
 مایه خشنودی خدا و رسول و دلخوشی ذریه جلیده فاطمه  
 زهرا سلام الله علیهاست مستدعی خدمت جناب مستطاب مدیر  
 جریده فریده جبل المتین آنکه شرح عربضه را در روز  
 نامه مقدمه درج فرمائید تا مورث اطلاع ابناي وطن شود  
 ( العبد سید علی ابن حاجی سید محمود لاجوری کاشانی )

( اعلان مهم )

مرکز انجمن اتحادیه آذربایجان در خیابان چراغ

گاز رو بروی کار خانه چراغ برق است هر کس طالب  
 عضویت این انجمن است روز های یکشنبه عصر که  
 اعضاء برای پذیرفتن عضویت حاضرند بمحل مزبور  
 تشریف بیاورد

روزهای چهار شنبه مجلس عمومی است مخصوصاً  
 چهار شنبه بیستم شهر حال سه ساعت بوروب مانده جناب  
 آقای آقا سید حسن قی زاده که مستغنی از توصیف  
 است در اینجا برای دادن يك نطق مهم تشریف دارند  
 هر کس شایق استماع نطق ایشان است حاضر شود

## اعلان

خدمت عموم اهالی ایران خارجه و داخله آقایان  
 علما اعیان اشراف تجار کسبه اهالی قفقاز عرض و اعلان  
 میشود آقا میر قاسم نام معروف با مین التجار یسر بنده  
 چندین سال است بواسطه بی شموری و ناخلفی مبلغ فوق العاده  
 پول و دارائی بنده را تقریباً نموده همه ساله با هم و بمهر  
 بنده اسناد جعلی درست نموده بداخله و خارجه و بانک  
 داده پول میکرفت بواسطه حب پدر و فرزندى ناچار  
 شده قروضات او را میدادم تا کنون متجاوز از بیست  
 هزار تومان قروضات او را داده خسارت او را متحمل  
 شدم همه نوع مخارج سالیانه خودش با خانه او را داده  
 و میدهم از نصیحت نمودن بنده و سایر مردم دوست  
 آشنا متنبه و از کردهای خود نادم و پشیمان نشده است  
 بکلی در انظار مردم اسباب افتضاح و بی اعتباری بنده را فراهم  
 نموده است ناچار شدم دست از خانه زندگانی مفارقت دوری  
 دوستان احباء برداشته بسمت ارض اقدس به اوس امام  
 غریب مظلوم حضرت رضا علیه السلام بروم از سنه  
 قوی ثیل ۱۳۲۵ بد ها به اسم و بمهر بنده سند و کاغذ  
 جات برات کند رخت و کالت نامه قباله چه باعم چه نباشم  
 درست کند از مردم پول بگیرد یا فرض نماید دخلی به  
 بنده ندارد عاقل و باطل است از امروز به بعد کاغذ  
 جات بنده سند های بنده بروات بنده بخط خودم تماماً  
 نشان دارد بدون نشانه دیناری بحواله به اسم بنده کسی  
 بدهد قبول نیست از درجه اعتبار ساقط است ( اول

الحاج میر مصطفی امین التجار انزلیجی

( اعلان )

کتابچه اطلاعات مرحوم میرزا یوسف خان مستشار الدوله راجع  
 به پیش آمد کار زمان در داخله مملکت ایران تازه بطبع  
 رسیده و دارای مطالب عالیه است هر کس طابک باشد بداره

جبل المتین یومیه رجوع نماید قیمت پنج شاهی است

حسن الحسینی الکاشانی